



بحثی در ابعاد اعجاز قرآن / دو نمونه شکست دشمنان قرآن

قرآن معجزه ای است که بر تمام معجزات تفوق و برتری دارد. اعجاز قرآن تنها از راه بلاغت و فصاحت و اسلوب آن نیست، بلکه از طرق مختلفی بشر را درآوردن مثل آن دعوت به معارضه که شکست آن معلوم است می کند.

قرآن معجزه ای است که بر تمام معجزات تفوق و برتری دارد. اعجاز قرآن تنها از راه بلاغت و فصاحت و اسلوب آن نیست، بلکه از طرق مختلفی بشر را درآوردن مثل آن دعوت به معارضه که شکست آن معلوم است می کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، قرآن مجید کتابی است که موضوعات مختلف دینی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی، علمی، صنعتی و... در آن آمده و سند نبوت و خاتمیت پیامبر اسلام (ص) است.

از زمانی که قرآن بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد دشمنان کوشیدند بتوانند آن بیاورند و با این وسیله آن حضرت را شکست داده و محکوم سازند، اما غافل از اینکه این کتاب به قلم انسان نیست و محصول فکر و مغز بشر نیست که بتوان شبیه آن را آورد. البته بعدا عده ای کوشیدند يك سوره و حتی يك آیه مانند آن بیاورند، اما نتوانستند و رسوا شدند.

یکی از افرادی که خواست مانند قرآن بیاورد، "مسلمه کذاب" بوده است. او در مقابل سوره "والذاریات" چنین گفت؛ "والزراعات زرعاً فالحاصدات حصداً فالطاهات طحناً فالخابزات خبراً فالاکلات اکلاً و در برابر سوره کوثر گفت "انا اعطیناک الجاه فصل لربک و هاجر انّ شأنک هو الکافر". البته از این قبیل خیال بافی که هر یک طبق مذاق و خواهش نفسانی خود به هم بافتند و آبروی خود را بردند در تاریخ زیاد بوده است.

همچنین نقل شده که "ابن ابی العوجاء" که یکی از مادیین و طبیعیین زمان عباسیان بود با سه نفر دیگر از همفکران خود درصدد بر آمدند که با قرآن مبارزه کنند. هر یک متعهد شدند که با يك چهارم قرآن بجنگند و مانند آن بیاورند. قرارداد آنها تا یکسال بود، پس از يك سال از این واقعه، در مکه گردهمایی داشتند، یکی از آنها گفت من چون آیه 44 سوره هود (وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَمَاءُ أَطْلَعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتُوتِ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) را دیدم از معارضه بازماندم.

نفر دوم گفت من چون آیه 80 سوره یوسف را دیدم (فَلَمَّا اسْتِیَا سُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا) دست از مبارزه برداشتم. البته این گردهمایی ها سری بود، اما امام صادق(ع) آنها را دید و آیه 88 سوره اسرا را قرائت فرمود (قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَيَّ اَنْ يَاتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَاتُونَ بِمِثْلِهِ) که همگی از این جریان حیران شدند.

قرآن به عنوان معجزه نبی خاتم (ص) و برنامه هدایت انسان معجزه ای است که بر تمام معجزات تفوق و برتری دارد. اعجاز قرآن تنها از راه بلاغت و فصاحت و اسلوب آن نیست، بلکه از طرق مختلفی بشر را درآوردن مثل آن دعوت به معارضه که شکست آن معلوم است می کند.

قرآن از بعد فصاحت، بلاغت و اسلوب کار همه را حیران کرده، و فصحاء را مبهور کرده که این چه عباراتی است، مگر کلام و سخن گفتن می شود این اندازه مهم باشد. بنابراین از زمان نزول قرآن تا به حال، کسی قدرت آوردن يك آیه مثل آن را پیدا نکرده است.

قرآن همچنین از نظر معارف عقول فلاسفه را حیران کرده و تا آخر وحشت زده خواهد کرد، با توجه به اینکه آورنده آن درس نخوانده و بی سواد بوده است.

در موضوع خدانشناسی قرآن چه گفته و کتب عهدین چه بیانی دارند، خدا را چگونه معرفی کرده و چه توصیفی نموده که بشر را متحیر می سازد.

در موضوع نبوت و امامت، صفات پیغمبر، معرفی خاتم الانبیا، اثبات خلافت و تنزیه انبیا و تقدیس آنها، چگونه سخن گفته است. از

طرف دیگر عهدین چه نسبت هایی به حضرت آدم و ابراهیم، و ساره، لوط، اسحق، یعقوب، داوود، سلیمان و مسیح داده اند که زبان از گفتن آن شرم دارد.

قرآن اگر از راه استقامت بیان از اول تا به آخر بررسی شود کمترین تضاد و تناقض و اختلافی ندارد.

همچنین قرآن متعرض شئون مختلفی مانند بحث در الهیات، نبوت، احکام، نظام اجتماعی، قواعد اخلاق، نجوم، افلاک، زمین شناسی، گیاه شناسی، حیوان شناسی، وصف قیامت، معاد و ده ها مباحث ارزنده دیگری که بشر از درک آن چه رسد به فهم آن عاجز می باشد، شده است.